

ادامه از صفحه اول

مرغ و تخم‌مرغ اقتصاد ایران

اقتصاد ورم کرده و قیمت‌ها افزایش می‌یابد. دولت وارد ماجرا می‌شود و برای کنترل موضوع، شروع به دخالت در بازارها و ایجاد انواع محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های وارداتی و صادراتی و توزیع انواع امتیازات و رانت‌ها اعم از تسهیلات کم‌بهره، ارز دولتی-، انرژي ارزان و مجوزهای خاص وارداتی و صادراتی می‌کند. این اقدامات بر وخامت ماجرا بیش از پیش می‌افزاید؛ چراکه چنین جمعی از منابع رانتی برای توزیع بین تمامی ذی‌نفعان وجود ندارد و تعداد و گروهی خاص امکان بهره‌مندی از این امتیازها را می‌یابد؛ بنابراین فسادهای عظیم شکل می‌گیرد. دولت که از موضوع عصبانی و نگران شده و از توزیع رانت‌های عظیم هم کار سامان نشده، آخرین برگه خود را رو می‌کند؛ فرمان توقف افزایش قیمت‌ها و مبارزه با گران‌فروشی! همچون به‌شلاق‌بستن دریاها برای عبور از امواج و…

قضایای اقتصادی خیلی ساده است؛ همان که چندصد سال پیش حکیم سعدی فرموده بود که چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن! پندی که مینا و اساس علم اقتصاد مدرن است؛ ضرورت تعادل بین محدودیت و کمیابی منابع و آرزوهای پرشمار و بی‌شمار آدمیان. متأسفانه بی‌توجهی به همین اصل بدیهی اقتصادی، سرمنشا تمام مشکلات و بحران‌های اقتصادی و سیاسی و اعتراض‌ها و… است. دولت‌ها بی‌توجه به این اصل اساسی اقتصاد، اقدام به هزینه‌از طریق خلق پول می‌کنند و تورم حاصل‌شده را از طریق دخالت‌های اختلال‌زا و دستکاری قیمت‌ها و ازبین‌بردن فضای رقابتی، تشدید و اقتصاد را به ورشکستگی می‌کشاند و کسب‌وکار، زندگی و معیشت مردم را با بحران مواجه می‌کنند. در قضایای مرغ، دولت می‌بایست با پذیرش واقعیت و قبُول قیمت تعادلی بازار، از محدودیت و بگروبند خودداری و برعکس بازار را باز و آزادتر و رقابت را تشدید می‌کرد. آنگاه تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان با کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌روری، قیمت‌های خود را پایین آورده و محصول بهتری را برای جلب مشتری وارد بازار می‌کردند. البته این رویه نه‌فقط درباره یک کالا، بلکه باید بر کل اقتصاد و فضای تولید و عرضه کالا و خدمات و در جهت ایجاد رقابت بین بازیگران حاکم شود. کارویژه دولت، عرضه کالای عمومی است؛ برقراری نظم و امنیت، حفاظت از حقوق فردی و اجتماعی شهروندان، تعاملات مناسب خارجی و بین‌المللی و ثبات مؤلفه‌های کلان اقتصادی و بهبودی فضای کسب‌وکار و حفظ محیط زیست.

اگر دولت‌های محترم به وظایف و کارویژه‌های اصلی خود بپردازند و کار میرغ و تخم‌مرغ، بیاز، سیب‌زمینی، خودرو و… را به بازار بسپارند، یقینا با ایجاد رقابت بین بازیگران و از طریق افزایش بهره‌روری (و نه توزیع انواع رانت‌ها)، قیمت‌ها کاهش و کیفیت‌ها افزایش می‌یابد؛ یعنی همان شیوه و راهی که کشورهای پیشرفته در پیش گرفته‌ند و بازارهای جهانی و ارتقای کیفیت‌ها و کیفیت کالاها و خدمات را شکل داده است؛ چراکه به قول فریدمن: «اگر مدیریت یک بیابان ششزار را به بخش دولتی واگذار کنید، بعد از پنج سال با کمبود شن مواجه می‌شوید». علم اقتصاد قضیه مرغ و تخم‌مرغ را در اقتصاد ایران چنین تبیین می‌کند که توضیح داده شده، خوب است دولت‌مداران محترم نیز صورت‌بندی و دلایل خود در رفتار مغایر با این روش را تبیین کنند! البته می‌توان احتمال داد که تحلیل خود را این‌گونه آغاز کنند؛ همه کارها تحت تدابیر دولت خوب پیش می‌رفت تا اینکه تولیدکننده‌ها طمع کردند و قیمت‌های محصولات خود را بالا بردند و سپس واسطه‌ها و دلال‌ها وارد شدند و…

خبر

استعفای یکی از اعضای

شورای شهر تهران

● **شرق:** «حسن خلیل‌آبادی»، عضو شورای شهر تهران، ضمن تأیید خبر استعفای خود گفت: به دلیل روند رسیدگی به پرونده باغات استعفای خود را به رئیس شورای شهر تهران ارائه دادم. در همین زمینه زهرا نژادبهرام، عضو هیئت‌رئیس شورای شهر تهران، درباره موضوع استعفای حسن خلیل‌آبادی عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران اظهار کرد: نامه‌ای از سوی خلیل‌آبادی به هیئت‌رئیس شورای شهر تهران جهت درخواست استعفایش ارسال شده است. او افزود: این نامه به دست ما در هیئت‌رئیسه رسیده؛ ولی معلوم نیست که با این موضوع موافقت شود. استعفای حسن خلیل‌آبادی در دست بررسی است و در صورت لغو یا تأیید آن اطلاع‌رسانی خواهد شد. نژادبهرام تأکید کرد که خلیل‌آبادی در انتخابات شورای ششم شرکت نکرده و این استعفا انتخاباتی نیست؛ بلکه اختلاف نظرهایی بین اعضای شورا وجود دارد و یکشنبه هفته آینده موضوع در شورا بررسی می‌شود.

امیرحسین جعفری: هرچه بیشتر به برگزاری انتخابات نزدیک می‌شویم، سوالات بیشتری درباره نحوه عملکرد جریان‌های سیاسی به وجود می‌آید؛ به‌ویژه برای اصلاح‌طلبان که مشکل ردصلاحیت را در پیش دارند و این اتفاق در همه دوره‌ها چه در مجلس و چه در ریاست‌جمهوری کرییان‌گیر اصلاح‌طلبان بوده است. بررسی سیر ردصلاحیت‌ها به‌ویژه از سوی جناح چپ خط امامی که امروزه اصلاح‌طلبان نامیده می‌شوند، امری لازم برای تحلیل بهتر شرایط کنونی این جریان سیاسی است؛ به‌همین دلیل گفت‌وگو کردیم با محمد عطریانفر، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

❖ **در آغاز کلبتی از تاریخچه ردصلاحیت‌های پس از انقلاب بفرمایید.**

موضوع احراز صلاحیت نامزدها چه در ریاست‌جمهوری و چه در مجلس، موضوعی است که در قانون اساسی به آن اشاراتی کلی شده است و پارلمان را موظف می‌کند که قوانین موضوعه را در ابعاد جامع و مانع تدوین کند که بر این مبنا قانون انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس را پشتیبانی کنند. این سه حوزه یکی بعد از احوال اربعه نامزدهاست که از تحقق پیدا کرده است. در قانون انتخابات مجلس اشاره شده که صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس را هیئت‌های اجرائی بررسی می‌کنند و به‌عنوان پشتوانه اطلاعاتی مرکز استعلامی را موظف کرده که هیئت‌های اجرائی را پشتیبانی کنند. این سه حوزه یکپه احوال اربعه نامزدهاست که از تحقق پیدا کرده است. در قانون انتخابات مجلس اشاره شده که صلاحیت نامزدهای نامزدی مجلس را هیئت‌های اجرائی بررسی می‌کنند و به‌عنوان پشتوانه اطلاعاتی مرکز استعلامی را موظف کرده که هیئت‌های اجرائی را پشتیبانی کنند. این سه حوزه یکی بعد از احوال اربعه نامزدهاست که از تحقق پیدا کرده است. در هر شرایط، قانون حافظ حقوق آنهاست. این شرایط و رفتار اجرائی و نظارتی در ۱۰ سال اول انقلاب حاکم بر انتخابات بود؛ حتی در زمانی که امام در قید حیات بودند، شورای نگهبان سرفصلی را باز کرد که فارغ از تکالیف قانونی هیئت‌های نظارتی و اجرائی بود. برای خود، شان دیگری مقرر کردند که به طور مستقیم می‌توانند اعلامی و نظریه‌حکمرانی از جنس حکومت اسلامی است که در مرحوم آقای مصباح‌یزدی پشتیبان جدی آن بود و روحانیون سنتی ازجمله برخی اعضای محترم شورای نگهبان بیرو این نظریه هستند و باورشان این است که مردم هر کجا اشتهایه تصمیم گرفته‌اند، باید جلوی آن را گرفت؛ دیدگاهی که با نظر امام اختلاف دارد. امام در جلسه‌ای به اعضای خیرگان رهبری در مقام اهمیت رأی مردم گفته بود اگر مردم ولو اشتباه هم کردند شما نباید جلو آن بایستید. گرچه معمولاً مردم و نمایندگان مردم کمتر اشتباه می‌کنند. ضمن آنکه نمایندگان مردم چون رأی مستقیم مردم را دارند، باید پاسخ‌گو باشند. با چنین فرضی، برگزیدگان رأی مردم چون خود را در برابر مردم مسئول می‌دانند، همواره سعی می‌کنند با دقت کافی به‌گونه‌ای عمل کنند که وجاهت رأی، نظر و تصمیم آنها نزد مردم مقبول واقع شود.

❖ **سه رد صلاحیت مطرح سال‌های اول انقلاب، اعضای حزب توده به علت باورنداشتن به خدا، سعود رجوی به علت رأی‌ندان در قانون اساسی و مهندس بازرگان بود. فارغ از این چهره‌ها آیا تب رد صلاحیت‌ها در آن سال‌ها کار صحیح بود؟**

اعضای حزب توده وابسته به یکانه و با رژیم مارکسیستی اتحاد جماهیر شوروی مرتبط بودند و عمدتاً اگر ردصلاحیتی به معنای واقعی کلمه صورت گرفته باشد، ناشی از این ارتباط و وابستگی به خارجی بود و آن ردصلاحیت هم کار غلطی نبوده است. اگر مثلاً یک سازمان نوظهور بود و ارتباط خارجی نداشت و ملی بود، شاید این نقد ردصلاحیت برای آنها قابل قبول بود. امام هم در پاریس به مشارکت ملی تمام تفکرات سیاسی اشاره کرده بودند. اعضای مجاهدین خلق هم به دلایل عدم پذیرش قانون اساسی و براساس داوری یک دستگاه منصف سیاسی نمی‌توانستند تأیید صلاحیت شوند و ما نیز نباید جلوی این ردصلاحیت‌ها می‌ایستادیم.

❖ **در مجلس چهارم این بار شاهد ردصلاحیت نیروهای طرفدار امام هستیم؛ چه روندی طی شده که از ردصلاحیت نیروهای مارکسیست به ردصلاحیت نیروهای خط امامی رسیدیم؟**

مجلس چهارم دقیقاً همان زمانی است که شورای نگهبان هیئت‌های نظارتی خودش را با نوعی ردصلاحیت سراسری نسبت به همه کاندیداهای جریان چپ سیاسی که مجلس سوم را در اختیار داشتند، به کار گرفت. جریان سیاسی چپ در گذشته اگر هم شورای نگهبان حرفی قاعده‌مند مطرح نمی‌کرد، به امام پناه می‌برد؛ اما در این مقطع شورای نگهبان بر پایه نظارت استصوابی اعمال نظر می‌کرد و جریان سیاسی چپ نیروهای مؤثر خود را از دست داد و نتوانست از حقوق خود دفاع کند.

❖ **این روند تا مجلس ششم ادامه پیدا می‌کند و در انتخابات مجلس هفتم دوباره شاهد ردصلاحیت اصلاح‌طلبان هستیم. سؤالی که مطرح است، این است که تحصن مجلس ششم در این‌باره کار درستی بود؟ چرا مجلس ششم فقط برای ردصلاحیت خودش تصحن کرد نه برای حقوق مردم؟**

من از منتقدان آن تحصن هشتم، مجلس مهم‌ترین نهادی است که باید به قانون بایبند باشد. این ایستراسمیون‌کردن‌هایی که البته تجربه‌هایی هم در دموکراسی دارد، در شرایطی که مجلس با اقتدار کافی و با اکثریت نیرومندی از جریان چپ مقدرات نهاد قانون‌گذاری را در دست دارد، معنا ندارد. این حرکت در پارلمان، معمولاً از اهرم‌هایی است که اقلیت مجلس از آن برای

سیاست

گفت‌وگو با محمد عطریانفر

ظریف با ظرفیت‌های اصلاح‌طلبی سازگاری تام دارد



اینکه بخشی از حقوق خود را که احتمال پایمال شدن آن را می‌دهند، استفاده می‌کنند و با این روش پارلمان را از اکثریت می‌اندازند تا از این طریق بتوانند حرفشان را به کرسی بنشانند؛ درحالی‌که مجلس ششم بی‌نیاز از این رویکرد بود. مشکل مجلس با بیرون از مجلس بود و می‌خواست با این ابزار اهداف خود را پیش ببرد که به نظر من منطقی روشنی نداشت و پیامی که رهبری به شکل‌های غیرمستقیم به آنها منتقل می‌کردند، این بود که نهادهی که خود در تدوین و تصویب قانون دست برتر دارد، چگونه از این روش‌ها استفاده می‌کند؟ این روش ناموجه آسیب جدی به تفکر چپ سیاسی زد و دو حادثه تلخ را به وجود آورد؛ اول اینکه کسانی که با آن تحصن همراهی کردند، محل تردید شورای نگهبان قرار گرفتند. شورا که ابزار استصواب را داشت، کافی بود این اتفاق را نیز به آن اضافه کنیم. صلاحیت‌های افرادی هم که در درون دولت با این تحصن همراه شدند، در دستگاه امنیتی محل تردید قرار گرفت. از این جهت باید آن عرضه را به لحاظ تاریخی یک بار دیگر مرور کنیم و ببینیم اشکالات دوستان چه بود تا دوباره دچار این سونفاهم‌ها در مقیاس ملی نشویم.

❖ **یعنی ردصلاحیت‌های انتخابات مجلس هفتم واکنش به عملکرد نمایندگان در دوره نمایندگی‌شان در مجلس ششم بود؟**

خیر، این‌طور نیست. به نظر من مسئله چیز دیگری است. الان دو تفکر مقابل هم رقابت می‌کنند. موضوع نظریه حکمرانی از جنس جمهوری اسلامی و نظریه حکمرانی از جنس حکومت اسلامی است که در مرحوم آقای مصباح‌یزدی پشتیبان جدی آن بود و روحانیون سنتی ازجمله برخی اعضای محترم شورای نگهبان بیرو این نظریه هستند و باورشان این است که مردم هر کجا اشتهایه تصمیم گرفته‌اند، باید جلوی آن را گرفت؛ دیدگاهی که با نظر امام اختلاف دارد. امام در جلسه‌ای به اعضای خیرگان رهبری در مقام اهمیت رأی مردم گفته بود اگر مردم ولو اشتباه هم کردند شما نباید جلو آن بایستید. گرچه معمولاً مردم و نمایندگان مردم کمتر اشتباه می‌کنند. ضمن آنکه نمایندگان مردم چون رأی مستقیم مردم را دارند، باید پاسخ‌گو باشند. با چنین فرضی، برگزیدگان رأی مردم چون خود را در برابر مردم مسئول می‌دانند، همواره سعی می‌کنند با دقت کافی به‌گونه‌ای عمل کنند که وجاهت رأی، نظر و تصمیم آنها نزد مردم مقبول واقع شود.

❖ **برخی از اصلاح‌طلبان معتقدند کاهش میزان مشارکت در اسفند ۹۸ به دلیل ردصلاحیت اصلاح‌طلبان بود؛ این گزاره تا چه حد صحیح است؟**

دوستان افراطی که انتخابات را تحریم کرده و شرکت نکردند، کافی است خروجی حاصل از تحریم و انفعال خود در سال ۹۸ را با سال ۹۴ مقایسه کنند؛ در همان زمان هم ردصلاحیت‌ها به همین گستردگی وجود داشت. اما آقای خاتمی محوریت این انتخابات را خوب مدیریت کرد، آقای هاشمی‌رفسنجانی نیز حمایت کرد و اصلاح‌طلبان ناشناخته که ردصلاحیت آنها نزد نهادهای نظارتی سخت و عمل‌ناامک بود، به مجلس راه یافتند. هرچند اینها در مجلس به دلیل ضعف مدیریت موفق نبودند، اما به هر حال تیم نیرومندی به مجلس راه یافت. مگر سال ۹۸ نسبت به سال ۹۴ چه تفاوت و شرایط جدیدی در صحنه سیاسی کشور حاکم شده بود که آقایان دست از همراهی برداشتنند و انگیزه و میل مشارکت فعال را از نیروهای خودی گرفتند و با این انفعال، جماعت دیگری به مجلس رفتند که امروز می‌فهمیم چقدر ضرر کردیم و یک اقلیت کارآمد که بتواند مقابل اکثریت راست در مجلس بایستد، وجود ندارد و ما به دست خود این فرصت را از اصلاحات گرفتیم. اگر با رویکردهای ۹۴ حرکت می‌کردیم، چه‌بسا در همین مجلس هم می‌توانستیم منشا اثر بوده یا حداقل بازدارنده در برابر زیاده‌خواهی‌های رقیب باشیم. به‌خصوص در شرایطی که آقای لاریجانی هم نبود، اگر این موقعیت را از خود دریغ نکرده بودیم، شاید مشارکت بهتری شکل می‌گرفت و امکان دستیابی برای ریاست‌جمهوری ما هم به دست می‌آوردیم؛ چون رقیب نیرومندی نداشتیم و آقای قالیباف هم سابقه کار با مجلس را در کارنامه خود نداشت؛ درحالی‌که اصلاح‌طلبان می‌توانستند رقابت خوبی با او داشته باشند.

❖ **سال ۹۸ بچتی که از سوی برخی از اصلاح‌طلبان درباره ردصلاحیت‌ها مطرح می‌شد، گفت‌وگو با شورای نگهبان بود، اما عملاً ردصلاحیت‌ها در سال ۹۸ بیشتر از قبل شد. به نظر شما گفت‌وگو با نهادهای مرجع در این زمینه نتیجه می‌دهد؟**

برخی از دوستان معتدل هم بودند احساسشان این بود که تا زمانی‌که این قانون اساسی و این رویکرد ازسوی شورای نگهبان حاکم باشد، یکی از

کارهایی‌که برای احقاق حق خود می‌توان در پیش بگیریم و کام درستی برداریم، معجزه گفت‌وگو است. اگرچه بعضی مدعی تحقّق‌اند با این‌حال ما فقط حرف این مسئله را زده‌ایم و رفقاً کاری در این زمینه نکرده‌اند. ما یک سرزمین مشترک داریم که به‌هرصورت نهادهای نظارتی هم در آن وجود دارد. اگر در روند فعالیت‌های قانونی بخواهیم کرسی‌های قدرت را از آن خود کنیم، باید واقعیت‌مماشات و گفت‌وگو را به‌عنوان امر واقع و روی زمین که رقیب یا گروه‌های مزاحم حقوقی چندان هم نظر مثبتی به اندیشه‌ش چپ ندارند را بپذیریم.

❖ **ممکن است برای انتخابات ۱۴۰۰ چنین گفت‌وگوهایی شکل بگیرد؟**
در دقیقه ۹۰ نمی‌شود مذاکره و جبران مافات کرد. اگر واقعاً چنین

توصیه‌ای به دوستان اصلاح‌طلب داشته باشیم که بخواهند آینده را بهتر از گذشته رقم بزنند، باید بنای انتخابات ۱۴۰۰ را از الان بچینند و فرصت‌ها را غنیمت بشمرند. اینکه ما دو سال اخیر را بدون هیچ‌گونه حساسی‌به بی‌ظالت گذرانیدیم و به سمت نهادهای مرجع نرفتیم و فرصت را از دست دادیم و الان بخواهیم در دقیقه ۹۰ فقط حرف بزنیم، هیچ برون‌رفت مؤثری صورت نخواهد گرفت.

❖ **جبهه اصلاح‌طلبان ایران خواهان معرفی کاندیدای تمام اصلاح‌طلب هستند، اگر آن کاندیدا ردصلاحیت شد، اصلاح‌طلبان چه وضعیتی در انتخابات پیدا می‌کنند؟**

اگر اصلاح‌طلبان با یک کاندیدای توانمند و موجه و کسی وارد شوند که جامعه نسبت به آن شناخت کافی داشته باشد و رأی منفی او حداقلی باشد و بتواند نماد اجماع همه نخبگان سیاسی اصلاح‌طلب باشد و بتواند اعتماد رهبری برای حضور در انتخابات را جلب کند، یک انتخابات قطبی و دارای پیام شکل می‌گیرد. به نظر من چنین چهره‌ای ردصلاحیت نخواهد شد. این مسئله را در گذشته در مشی رهبری دیدیم که ایشان قائل به این هستند که این دو گروه سیاسی اصیل در انقلاب باید حضور سیاسی داشته باشند اما اگر دچار تکثر نامزدها شدیم، ممکن است عمده نیروها ردصلاحیت شوند و یک اصلاح‌طلب فرعی تأیید صلاحیت شود که دچار آسیب می‌شویم. عرصه سیاست عرصه ممکنات است و باید متکی بر گمانه‌زنی درست، کارها را سامان دهیم؛ اینکه این‌طور فکر کنیم که یک نفر را انتخاب کردیم و اگر ردصلاحیت شد چه کنیم، البته به لحاظ ذهن ریاضی باید احتمال را داد اما نباید روی این احتمال ضعیف تمرکز کرد. اگر بر اساس درک درست به این رسیدیم که یک شخصیت ممتاز را معرفی کنیم، باید ایوداری کامل داشته باشیم که صلاحیتش مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

❖ **اکنون دو ماه به انتخابات مانده است و توقعی هم نیست که نامزد نهایی انتخابات اعلام شود اما بیور صحبتی که عنوان کردید که باید یک کاندیدای تمام‌اصلاح‌طلب مورد قبول رهبری و شورای نگهبان و با مقبولیت میان نخبگان سیاسی معرفی شود، به سمت مثال بزنید که در میان اصلاح‌طلبان این خصوصیات را داشته باشند؟**
ظریف، جهانبگویی، پزشکیان که اجماع نخبگانی روی این افراد بعید نیست. اگرچه بنا به دلایل منحصربه‌فرد، چهره‌ای مانند آقای سیدحسن خمینی می‌تواند در موقعیتی متفاوت و متمایز در جایگاه رفیع‌تر مطرح باشد.

❖ **مگر آقای ظریف اصلاح‌طلب است؟**

بله، اصلاح‌طلبی مهری بر پیشانی افراد نیست. عملکرد آنها را که نگاه می‌کنیم با ظرفیت‌های اصلاح‌طلبی سازگاری تام‌ونتام دارد.

❖ **کاندیدای مورد نظر شما چه زمانی معرفی خواهد شد؟**

به عنوان یک جریان سیاسی لاف‌قلمند و ملی تا دقیقه ۹۰ ثبت‌نام انتخابات نمی‌توانیم به سمت گزینه مورد نظر برویم. چون نهادهای مرجع این‌قدر فضا را تیره‌وتار کرده‌اند که شما مجبوریت تا دقیقاً آخر منتظر باشید. امیدواریم روزی رقابت سیاسی به شکلی ایجاد شود که یک‌سال قبل از برگزاری انتخابات به سمت رقابت‌های درون‌جبهه‌ای و انتخاب نامزدهای موردنظر بدون دلهره و ترس از ردصلاحیت آنها برویم.

❖ **در میان جوانان این احساس وجود دارد که اصلاح‌طلبان کارکرد سیاسی خودشان را از دست داده‌اند و مهم نیست کاندیدا بشوند یا نشوند و حاکمیت نیز این فرض را دارد که اصلاح‌طلبان کارکردی ندارند چون توانایی جمع‌آوری آرای خاکستری را ندارند و سیستم به سمت یکدست‌سازی می‌رود، این گزاره چقدر صحیح است؟**

اصلاح‌طلبان حتماً کارکرد سیاسی خود را در عرصه اداره کشور و از‌جمله برای نظام انتخاباتی دارند، چه کسی چنین حرفی را زده است؟ ما اتهام بی‌دلیل و بی‌پشتوانه را نباید به اصلاح‌طلبان نسبت دهیم. جامعه در مقام انتخاب است، بین خوب و بد یا خوب و خراب‌تر یا بد و بدتر انتخاب می‌کند. مردم ممکن است گلابه داشته باشند اما در‌هرحال به سمت انتخاب می‌روند. اصلاح‌طلبان باید بدانند تا زمانی که چرخه حکمرانی بر ارابه انتخابات بچرخد، اندیشه اصلاح‌طلبی اتفاقاً وزن قوی‌تری نسبت به اصولگراها در جامعه دارد. شما با دولت روحانی مواجه شدید که در دولت اول موفق بوده و در دولت دوم شکسته خورده است. اصلاح‌طلبان می‌توانند بسیار توانمند ظاهر شوند. اگر اصلاح‌طلبان فردا پای خودشان را از صحنه بیرون بکشند، همین قصه‌هایی که برای مجلس فعلی رخ داد آن‌وقت برای ریاست‌جمهوری اتفاق می‌افتد.

زهرة الهیان، عبدالحسین روح‌الامینی، فاطمه قاسم‌پور، ضرغام صادقی، فرشاد مهدی‌پور، مهدی زریبافان، مجتبی شاکری، حبیب‌الله بوربور، مالک شریعتی، اسماعیل احمدی، احمد صادقی، محمود فرشیدي، مریم اردبیلی، فرشاد مهدی‌پور، مهدی آقربان، سعید زئوفی و چهره‌های جوان و ادوار تشکلی‌های دانشجویی همچون مجتبی ثابتي، فاطمه بوررجبایی و مجتبی ابراهیمی در انتخابات ریئسی، فاطمه پوررجبایی و مجتبی ابراهیمی در نشست شورای ائتلاف اصولگرایان با ریاست حدادعادل حضور داشته‌اند.

شورای ائتلاف اصولگرایان مدعی است نامزد یا نامزدهای نهایی را می‌خواهد از درون مجامع استانی برگزیند؛ چه برای انتخابات ریاست‌جمهوری و چه شوراهای شهر. چمران گفته است: ۹۰ درصد مجامع استانی ما شکل گرفته و انتخابات آنها برگزار شده است. او گفته که روند کار به این صورت است که در ابتدا باید یک مرشد و انتخابات میان کاندیداها در مجمع عمومی برگزار شود و پس از این‌رأی‌گیری که نظر مجمع مشخص شد، از کسانی که منتخب مجمع هستند، برنامه هرکدام از افراد گرفته و با افراد رارزی می‌شویم.

روزنه

ظریف دلیل نیامدنش برای انتخابات ریاست‌جمهوری را فاش کرد

نگرانی من از رأی آوردن است نه رأی‌نیاوردن

● **شرق:** خود را نه اصلاح‌طلب می‌دانند و نه اصولگرا، اما هر دو جناح می‌دانند اگر برای انتخابات ریاست‌جمهوری با پیش بگذارد، سبب رأی خوبی خواهد داشت. مردم، محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ۶۲ساله کابینه حسن روحانی را با برجام و پایان‌دادن به تحریم‌های آمریکا و سازمان ملل می‌شناسند. او از افرادی است که در هشت سال اخیر سوزه اول رسانه‌های داخلی و حتی خارجی بوده و اصلاح‌طلبان بدشان نمی‌آید که ظریف را به‌عنوان گزینه اصلی خود وارد انتخابات کنند، اما دل خودش رضا نیست و روز گذشته نوشت عزم خود را با برجام و پایان‌دادن است. وزیر خارجه با انتشار تصویری از آبی‌ای از سوره فاطر در صفحه اینستاگرامش نوشت:

«سلام، دیروز [دوشنبه] جلسه‌ای طولانی، صریح و صمیمی – همراه با توهمین و تهدید و اتهام از سوی یکی، دو نفر- با نمایندگان محترم کمیسیون امنیت ملی داشتم. از یکی از نمایندگان نقل شد است که «بر آوردن از جلسه امروز کمیسیون این است که ظریف نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری» می‌شود». پس از چندین بار تأکید بر عدم تمایل برای نامزدی، نمی‌خواستیم دوباره وارد این موضوع شوم. اما این اظهارنظر تأکیدی کرد که اصل ماجرا را عرض کنم:

در جلسه چند نفر اظهار نگرانی کردند که گفت‌وگوهای ویس برای رفع تحریم‌ها با اهداف انتخاباتی دنبال می‌شود و بنده برای جلب آرای مردم به دنبال ایجاد دوقطبی در جامعه هستم. عرض کردم دوقطبی را کسانی می‌سازند که با ائتلاف میلیاردها برای تولید سریال، اعتماد عمومی به دیپلماسی کشور را هدف گرفته و معیشت مردم و عزت کشور را بازیچه اغراض سیاسی و انتخاباتی می‌نمایند. ما به لطف خدا و بزرگساری مردم نیاز به ایجاد دوقطبی در جامعه نداریم. هشت سال است علیه دستگاه دیپلماسی با هزینه‌های سنگین تبلیغ شده است؛ هشت سال است بهترین دستاوردهای دیپلماسی را تخرننه کرده‌اند؛ هشت سال است به دلیل سکوت ما یک‌تنه به قاضی رفته‌اند و هشت سال است سکوت برای کویدین دستگاه دیپلماسی، عزت و اعتماد مردم را نشانده گرفته‌اند؛ اما به لطف خدا هنوز از نعمت محبت مردم دلاورمان برخورداریم. یادآوری کردم که علت تصمیم بنده برای نامزدنشدن نگرانی از سبب رأی نیست که برای بهبود آن از سیاست خارجی با انسجام ملی هزینه کنم. نگرانی من از رأی آوردن است نه رأی‌نیاوردن. بر عزم خود برای نامزدنشدن استوارم؛ ولی تداوم فشارها، آزارها، افتراها و تهدیدها در اقبال عمومی و در این عزم تأثیر معکوس دارد. سیاست خارجی نباید موضوع دعوای جناحی و انتخاباتی باشد. هر دستاورد سیاست خارجی، دستاورد مردم، کشور و رهبری است و هیچ فرد، گروه یا جناحی حق مصادره آن را ندارد. رفع تحریم‌ها به نفع مردم و هر دولتی است که چهار ماه دیگر زمام امور کشور را به دست می‌گیرد. تقاضا می‌کنم اجازه دهید در این فضا که صهیونیست‌ها برای جلوگیری از رفع تحریم‌ها به خبیانه‌ترین و مذبوحانه‌ترین روش‌ها متوسل شده‌اند، عباس عراقچی عزیز و دیگر همکاران فداکار و شجاعم بتوانند تمام تمرکز خود را بر رفع تحریم‌ها متمرکز کنند و نگران سنگ‌اندازی، اتهامات و فضاسازی‌های مسموم انتخاباتی نباشند. بباییم در آستانه ماه مبارک رمضان، دل را از کینه‌ها و بداندگاری‌ها پاک کنیم و همدل و هم‌نوا برای موفقیت تمامی ایثارگران به‌ویژه در عرصه‌های سلامت، هسته‌ای و سیاست خارجی دعا کنیم. سالم و شاد و سربلند باشید.

سند محضری می‌دهم که نمی‌آیم

البته این اولین‌بار نیست که محمدجواد ظریف اعلام کرده به صندلی ریاست‌جمهوری چشم ندارد. او بارها گفته «به‌طور قطع نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری نخواهم شد» و استدلال آورده است: «سیاست‌مدار نیستم. من یک کارگزار دیپلماسی هستم. به غیر از این هیچ کاری در زندگی‌ام نکرده‌ام؛ یا در درس دادم یا کار دیپلماتیک کردم». ظریف یک بار دیگر نیز در نیمه مرداد سال ۹۸ و در دیدار خبرنگاران با او، درباره شایعه و گمانه‌زنی‌ها درباره نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ گفته بود: «اگر بخواهید تعهد محضری می‌دهم که ۱۴۰۰ در منزل یا دانشگاه خواهم بود. قبلاً هم گفته‌ام من همین کاری را که الان دارم انجام می‌دهم. به خاطر بلدبودن و احساس وظیفه می‌کنم. ولی من آن کار را بلد نیستم». ظریف آن‌قدر از نیامدن خود مطمئن بود که یک سال بعد نیز در گفت‌وگو با روزنامه کار و کارگر گفت: «درباره پست ریاست‌جمهوری وقتی تجربه‌ای ندارم پس ورود هم نمی‌کنم. امروز شما فقط باید ذهن تئوری توطئه داشته باشید تا تقارن برخی اقدامات آقایان در ایسران مقارن با تلاش آمریکا برای جلوگیری از برداشته‌شدن تحریم‌های تسلیحاتی ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد را تجزیه‌وتحلیل کرده و درک کنید! خب چرا؟ فقط به خاطر اینکه ظریف کاندیدای ریاست‌جمهوری نشود؟ خیانتان راحت باشد، نمی‌شوم. بگذارید کارم را انجام دهم. وظیفه من این است که در برابر عظم این ملت از خودم بگذرم تا از ایران عبور نکنم».

وزیر خارجه ایران در حالی برای بار چندم اعلام کرده که برای ریاست‌جمهوری نمی‌آید که سبب سیاست ایران تا به زمین برسد هزاران چرخ خواهد خورد و هر چیز غیرممکنی را ممکن می‌کند.